



# دشمن معلم!

دکتر علی اکبر شعاری نژاد

\* چه نارسایی‌های احتمالی در این فرهنگ‌ها، جامعه و جهان، می‌بیند؟  
\* آن نارسایی‌ها را چگونه تحلیل و تبیین می‌کند؟  
\* خودش در اصلاح این نارسایی‌ها چه نقشی دارد؟ یا باید داشته باشد؟ و چرا؟

**چون معلم شایسته می‌داند و باور دارد که گذشته‌ها را باید خواند، اما در گذشته‌ها نباید ماند.** چون هر زمان و مکانی، زبان، منطق و مقتضیات ویژه‌ی خود را دارد. همین‌ها در سطح جهان هستند که نظام و محتوای آموزشی تربیت یا آموزش-پرورش رسمی کشورها را تعیین می‌کند، نه خواست و اراده‌ی اشخاص یا گروه‌های ویژه.

هم‌چنین، معلم شایسته می‌داند و باور دارد که کتاب‌ها را باید خواند، اما در کتاب‌ها نباید ماند و برده‌ی آن‌ها نباید شد. چون محتوای کتاب‌ها را نیز زبان و منطق و نیازهای زمان و مکان تعیین می‌کنند. کتاب‌های دستوری یا سفارشی، اعم از درسی و غیردرسی، غالباً خالی از محتوای مطلوب خواهند بود. از سوی دیگر، هم‌چنان که مطالب خوب را در کتاب‌ها می‌نویسند، مطالب بد را نیز در کتاب‌ها می‌نویسند. تشخیص آن‌ها طبعاً به عهده‌ی خود خواننده است.

\* وضع حوزه‌ی آموزشی ماده یا رشته‌ی درسی او، در گذشته چگونه بوده؟ و در جامعه و جهان امروز چگونه است؟ و آینده‌ی احتمالی آن چگونه خواهد شد؟  
\* با توجه به این ابعاد زمانی، او به چه نوع افزایش‌ها، پالایش‌ها، بازبینی‌ها، و کارآموزی‌هایی در این حوزه نیاز دارد؟ و برای پاسخگویی به این نیاز، به کدام منابع انسانی و غیرانسانی باید مراجعه کند؟ و چگونه؟

\* چه قدر با فناوری آموزشی روز آشناست؟ و اگر کمبودهایی دارد، چیستند؟ یا کدام‌اند؟ و برای ترمیم آن‌ها به کدام منبع باید مراجعه کند؟ و چگونه؟ یا چه باید کرد؟

چون معلم شایسته، می‌داند و باور دارد که در فرهنگ

خصوصیت‌های مؤثرترین و خطرناک‌ترین دشمن ما معلمان (و شاید هم دیگران)، این موارد است:

۱. فرصت یادگیری را از ما می‌گیرد.
۲. ما را از آموختن و افزایش معرفت محروم و دلسرد می‌کند.
۳. وضع علمی موجودمان را برایمان مهم و کافی جلوه می‌دهد.
۴. دائماً وضع موجودمان را برای ما بهترین جلوه می‌دهد.
۵. ما را به قناعت علمی که مترادف مرگ علمی است، تشویق می‌کند.
۶. گذشته‌مان را مدام به رخ ما می‌کشد و تعریفش می‌کند.
۷. وضع موجود جهان را برای ما هراس‌انگیز و وحشت‌انگیز جلوه می‌دهد.
۸. ما را غیر از آن چه واقعاً هستیم، معرفی می‌کند.
۹. گذشته را بهتر از حال جلوه می‌دهد.
۱۰. آینده را برای ما تیره‌وتر جلوه می‌دهد.
۱۱. فناوری را برای ما مضر جلوه می‌دهد که معلومات و موقعیت ما را تهدید می‌کند!

**معلم هر ماده‌ی درسی باید به اقتضای حرفه‌اش بداند و دریابد که:**

- \* چه کار می‌کند (تحلیل کار)؟
- \* چرا چنین یا چنان می‌کند (تبیین کار)؟
- \* این چنین کاری مستلزم برخورداری از چه نوع اطلاعات، معارف، فنون، روش‌ها، و راهبردهایی است؟ چه قدر؟ و چرا؟
- \* این دانسته‌ها را در صورت احتمال نارسایی و مقتضی شرایط زمان و جهان نبودن، به کدام منابع و چگونه باید ارجاع دهد؟ و به ترمیم و تکمیل آن‌ها بپردازد.
- \* در چه فرهنگی زندگی می‌کند؟
- \* گذشته و حال این فرهنگ چگونه بوده؟ چگونه است؟ احتمالاً چگونه خواهد شد؟
- \* فرهنگ‌های حاکم بر جهان امروز چگونه‌اند؟

- حتماً باید از امنیت‌های عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و خصوصاً خانوادگی برخوردار باشد. چون می‌داند که حرفه‌ی معلمی، به سبب حساسیتی که دارد، هرگز اضطراب یا نگرانی مداوم را بر نمی‌تابد و آثار ناگوار آن طبعاً در بلندمدت در افکار و کردارها، و به‌طور کلی در رفتار شهروندان ظاهر می‌شوند که متأسفانه بسیار دیر شده است و درمان ناپذیر! به‌عبارت دیگر، عراق نخواهد بود که بگوییم موفقیت آموزشی همه‌ی معلمان، بدون استثناء، مستقیماً به وضع امنیت‌خاطر همه‌جانبه‌ی ایشان بستگی دارد و آمادگی‌های شغلی، اعم از نظری و عملی، عمدتاً به همین امنیت‌خاطر همه‌جانبه وابسته است. چون آرامش شغلی، بدون آرامش عاطفی و ذهنی غیرممکن است.

اگر جامعه‌ی آرام و آرامش‌خواه می‌خواهید، به آرامش معلمان آن، در همه‌ی مراحل آموزشی، بیندیشید و پیردازید. این واقعیت یا حقیقت را صمیمانه بپذیریم که هرگونه قناعت در هزینه‌کردن برای آماده‌سازی و آسایش معلمان، درواقع نوعی دنائت است.

دنیای امروز، بدون عراق، معلمان بیش از شاغلان سایر حرفه‌ها به علم و معرفت تکنولوژیک نیاز دارند، و گرنه محصلانشان پیشرفته‌تر از ایشان جلوه خواهند کرد!

هم‌چنین، معلم شایسته می‌داند و باور دارد که به اقتضای حرفه‌اش در جهان معاصر، ناگزیر است:

- متفاوت بیندیشد

- انتقادی بیندیشد

- بازاندیشی کند

- حتی فراتر بیندیشد

- شناگر باشد، نه شناور

و برای این منظور، باید فرایندهای عشق، جرئت، ایمان، امید، اعتماد، اقتدار و آینده‌نگری را در خویشتن تقویت کند و گسترش دهد. \* در چه روز و روزگاری زندگی می‌کند؟ محدوده‌ی مسئولیت‌هایش

چه اندازه‌اند؟

\* محصلان، جامعه و جهان چه انتظاری از او دارند؟ و او چه قدر آمادگی پاسخگویی به این انتظارات را دارد؟ و چگونه و چرا؟

\* خود او چه انتظاری از محصلان، جامعه و جهان دارد؟ و چرا؟

چون معلم شایسته، با همه‌ی عشقی که به

حرفه‌اش داد، هرگز فراموش نمی‌کند

که خودش:

- انسان است و مانند

سایر افراد بشر نیازمند محبت

و احترام متقابل، ارزشمندی

و احساس آن، سلامت

همه‌جانبه، برخورداری از

شرایط رفاهی روز، افزایش

مداوم حکمت و معرفت خویش

به تناسب زمان یا تقویت علمی و

حرفه‌ای است.



تصویرگر: میثم موسوی